

## بررسی رابطه کمال گرایی مادران با اضطراب امتحان با نقش واسطه ای سبک فرزند پروری دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بجنورد

مهديه علی نيا

کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد قوچان.

نام نویسنده مسئول:

مهديه علی نيا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۶

### چکیده

پژوهش فوق به بررسی رابطه کمال گرایی مادران با اضطراب امتحان با نقش واسطه ای سبک فرزند پروری دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بجنورد می پردازد. بر اساس موضوع و اهداف مورد مطالعه، این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بجنورد در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ که ۲۵۰۰ نفر بودند. برای انتخاب نمونه از جدول مورگان و روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد که جمعاً ۳۳۳ دانش آموز به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه کمال گرایی (تری شورت، ۱۹۹۵)؛ سبک فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳) و اضطراب امتحان آی. جی. ساراسون (۱۹۵۸) می باشند. داده های حاصل از این پرسشنامه ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS و Smart PLS-2 از روش معادلات ساختاری و تحلیل عاملی تاییدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد کمال گرایی مثبت مادران به میزان ۶۲/۶٪ از تغییرات متغیر اضطراب امتحان دانش آموزان را به طور مستقیم کاهش می دهد و ۱۸/۶٪ به طور غیر مستقیم و از طریق متغیر واسطه ای سبک فرزندپروری کاهش می دهد. کمال گرایی منفی مادران به میزان ۴۰/۲٪ از اضطراب امتحان دانش آموزان را به طور مستقیم کاهش می دهد و به طور غیر مستقیم و از طریق متغیر واسطه ای سبک فرزندپروری به میزان ۹/۵٪ کاهش می دهد. کمال گرایی مثبت در مادران ۳۱/۸٪ از سبک فرزندپروری سهل گیرانه را پیش بینی می کند. کمال گرایی مثبت به میزان ۳۳/۹٪ از سبک فرزندپروری استبدادی را پیش بینی می کند و مادرانی که دارای کمال گرایی مثبت هستند از سبک استبدادی کمتر استفاده می کنند و مادرانی که کمالگرایی منفی دارند بیشتر به سبک استبدادی روی می آورند (۴۲۸/۰). همچنین کمال گرایی مثبت در مادران ۴۹/۱٪ از سبک فرزندپروری قاطع را پیش بینی می کند و کمال گرایی منفی به میزان ۴۰/۲٪ از سبک فرزندپروری قاطع را در جهت معکوس پیش بینی می کند. سبک فرزندپروری استبدادی به میزان ۵۹/۳٪ از اضطراب امتحانی را پیش بینی می کند و مادرانی که سبک فرزندپروری استبدادی استفاده می کنند، اضطراب امتحانی دانش آموزان را افزایش می دهند. همچنین سبک فرزندپروری قاطع به میزان ۶۰/۷٪ از اضطراب امتحان را پیش بینی می کند. با توجه به ضریب مسیر منفی مادرانی که از سبک فرزندپروری قاطع استفاده می کنند، اضطراب امتحانی دانش آموزان را کاهش می دهند. از یافته های فوق می توان نتیجه گرفت که مادران با خصوصیت کمالگرایی مثبت بیشتر به سبک فرزندپروری قاطع روی می آورند و مادران با خصوصیت کمال گرایی منفی بیشتر به سبک فرزندپروری استبدادی گرایش پیدا می کنند.

واژگان کلیدی: کمال گرایی مادران، اضطراب امتحان، سبک فرزند پروری.

## مقدمه

اصولاً هر امتحان و آزمونی، هیجان و اضطراب خاص خود را دارد. همه هنر انسان در این است که با حداقل اضطراب از عهده انجام بزرگترین امتحانات برآید. بطور کلی انسان دوست ندارد رفتارهایش همواره مورد ارزیابی دیگران واقع گردد. به همین دلیل هر زمان که در موقعیت امتحان و آزمون قرار می‌گیرد به گونه‌ای دچار اضطراب می‌گردد. البته بدیهی است که وجود اضطراب به خودی خود امری غیرعادی نیست. اما آنچه باید به عنوان یک عامل آزاردهنده و بازدارنده مورد توجه قرار گیرد، شدت هیجان‌زدگی و اضطراب فوق‌العاده‌ای است که به هنگام حضور در محافل اجتماعی یا شرکت در آزمون‌های مختلف دامنگیر بعضی از افراد می‌شود. اضطراب امتحان<sup>۱</sup>، نوع خاصی از اضطراب است که با نشانه‌های جسمی، شناختی و رفتاری به هنگام آماده شدن برای امتحان و انجام تست‌ها مشخص می‌شود و زمانی تبدیل به یک مشکل می‌شود که سطح بالای این اضطراب با آماده شدن برای امتحان و انجام آزمون تداخل پیدا کند (فتحی و همکاران، ۱۳۹۶). اضطراب امتحان با ترس شدید از عملکرد ضعیف در امتحانات و آزمون‌ها مشخص می‌شود (به پژوه و همکاران، ۱۳۸۸). وقتی که فرد درباره‌ی کارایی و توانایی ذهنی خود در موقعیت امتحان، دچار نگرانی و تشویش شود، این احساس موجب کاهش و افت عملکرد او می‌شود. همچنین اضطراب به عنوان یکی از مهمترین مسائلی است که باعث می‌شود سازگاری‌های فرد به خطر افتد و انرژی زیادی را برای تعادل مصرف کند (میرسمیعی و ابراهیمی‌قوام، ۱۳۸۶).

اضطراب امتحان، نوع خاصی از اضطراب است که با نشانه‌های جسمی، شناختی و رفتاری در شرایط آماده شدن برای امتحان و انجام تست‌ها و آزمون‌ها مشخص می‌شود. اضطراب امتحان زمانی تبدیل به یک مشکل می‌شود که به حدی زیاد گردد که با آماده شدن برای امتحان و انجام آزمون، تداخل پیدا کند. بسیاری از دانشجویان دانشگاه‌ها از اضطراب امتحان رنج می‌برند. این اضطراب به قدری شدید است که موجب اختلال در عملکرد اجرای امتحان می‌شود. با این حال، زمانی که اضطراب بر عملکرد امتحان تأثیر می‌گذارد، مشکلاتی را برای بسیاری از دانشجویان ایجاد می‌کند و می‌تواند دارای اثرات منفی بر توانایی‌های تحصیلی کسانی باشد که از آن رنج می‌برند (یزدانی و سلیمانی، ۱۳۹۰).

پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که میزان شیوع اضطراب امتحان در دانش‌آموزان از ۱۰ تا ۳۰ درصد بوده که این برآورد در ایران برای دانش‌آموزان دبیرستانی ۱۷/۲ درصد گزارش شده است (فتحی و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین بررسی‌های اخیر نشان داده‌اند که اختلالات اضطرابی واجد بیشترین فراوانی در سطح کل جمعیت، دانش‌آموزان می‌باشد (چراغیان و همکاران، ۱۳۸۷). به طوریکه مک‌دونالد<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) بیان می‌کند که اضطراب امتحان در بین دانش‌آموزان معمول می‌باشد و به عنوان یک مشکل جدی تلقی می‌شود (فتحی و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین هر فردی در برخورد با امتحان، اضطراب و تنش روانی خاصی را بروز می‌دهد که وجود این اضطراب در حال امتحان و قبل از آن به خودی خود عادی و طبیعی است، اما آنچه مهم است شدت هیجان یا اضطراب فوق‌العاده‌ای است که دامنگیر بعضی از افراد می‌شود. ذهن دانش‌آموزی که دچار اضطراب شدید است، دچار فراموشی‌های زودگذر و خطای ادراک می‌شود و ضریب موفقیت وی را با مشکل مواجه می‌سازد (لارون<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۶). فراگیران نظام آموزشی نیز طیف وسیعی از اضطراب‌ها را تحت عنوان اضطراب امتحان، تجربه می‌کنند (درتاج و همکاران، ۱۳۹۲). از طرفی بسیاری از دانش‌آموزان ممکن است از نظر توانایی و آمادگی برای امتحان، آمادگی قابل قبولی داشته باشند، اما به علت میزان بالای این نوع از اضطراب، قادر به ارائه‌ی توانایی‌های خود به صورت مطلوب نباشند (یزدانی و سلیمانی، ۱۳۹۰). بسیاری از مطالعات نشان داده‌اند که اضطراب امتحان، اثرات و نتایجی منفی شامل احساس ضعف در عملکرد، کاهش انگیزه و کاهش تمرکز را در پی دارند، این موضوع فراوانی ترک تحصیل را به طور چشمگیری در جامعه افزایش می‌دهد (پورطالب و میرنسب، ۱۳۹۷).

همچنین مطالعات نشان داده‌اند که اضطراب با یادگیری در ارتباط است و اضطراب و فشارهای عصبی ناشی از آن منشأ بسیاری از ناکامی‌ها و مشکلات جسمی می‌باشند، این اختلال ناخواسته بر نتایج کار اثر سوء دارد به طوریکه عامل اصلی عدم موفقیت در تحصیلات دانش‌آموزان تلقی می‌شود (همبره<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹). شفر<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای به خوبی نشان دادند که دانش‌آموزانی که اضطراب امتحان بالا دارند دوران تحصیل‌شان به علت نقص در عملکرد، بیش از سایرین طول می‌کشد و در مقایسه با سایرین نگرانی‌های اجتماعی، اختلالات روانی و روانپزشکی در این گروه بیشتر است (شفر و همکاران، ۲۰۰۷). با در نظر گرفتن تأکید جامعه اجتماعی در عصر امروز بر دادن امتحان، اضطراب امتحان می‌تواند پتانسیل فرصت‌های آموزشی و حرفه‌ای را در چنین افرادی کاهش دهد (شفر و همکاران، ۲۰۰۷). پدیده اضطراب امتحان احتمالاً از زمانی که آزمون‌هایی را به منظور ارزشیابی کارآمدی افراد مورد استفاده قرار دادند، به وجود آمده است که در سالهای اخیر

1. test Anxiety

2. McDonald

3. Larun

4. Hembre

5. Schaefer

معضل برگزاری آزمون‌های ورودی و انتظارات بیش از حد و حساسیت والدین به نتایج این آزمون‌ها می‌تواند از علل افزایش شیوع اضطراب امتحان در دانش آموزان باشد. بنابراین یکی از رسالت‌های مهم مادران توجه به عامل اضطراب و اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش آن در بین نوجوانان است. کمال‌گرایی در مادران می‌تواند بر اضطراب امتحانی در دانش‌آموزان موثر باشد.

فروید<sup>۶</sup> (۱۹۷۵؛ به نقل از مهرابی زاده، ۱۳۸۲) در توصیف افراد کمال‌گرا معتقد است، محرک اصلی در زندگی این افراد رسیدن به خوشبختی نیست بلکه رسیدن به تکامل و برتری یافتن می‌باشد. ولی همواره روان‌شناسان بعد از فروید با توصیف فروید از کمال‌گرایی موفق نبوده‌اند. در حالی که برخی نظریه پردازان بر تاثیرهای منفی این خصلت بر زندگی و روان فرد تاکید کرده‌اند، برخی دیگر کمال‌گرایی را خصلتی مثبت و لازمه زندگی سالم و موفق دانسته‌اند. به عنوان مثال آدلر<sup>۷</sup> (۱۹۵۶؛ به نقل از مولنار<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۶)، کمال‌گرایی را جنبه ای طبیعی و ذاتی در رشد انسان می‌داند. وی در این رابطه بیان می‌کند، تلاش و کوشش برای کامل بودن بخشی ضروری از زندگی است، تلاش اجباری که بدون آن زندگی غیر قابل تصور است. به اعتقاد وی فردی که اهداف بالا در زندگی ندارد، خود و اطرافیانش را با مشکل مواجه می‌سازد. هورنای<sup>۹</sup> (به نقل از اسکویتزر و همیلتون<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۲)، نیز کمال‌گرایی را نیاز به دست آوردن بالاترین درجه ی برتری می‌داند. فرد کمال‌گرا این شیوه را به قصد کنترل کردن همه جانبه ی زندگی خویش و دیگران اعمال می‌کند. بنابراین در نظر هورنای کمال‌گرایی موجب رشد و ارتقاء شخصیت و زندگی فرد نمی‌شود. در واقع هورنای جنبه آسیب‌رسان کمال‌گرایی را در تلاش بسیار افراد کمال‌گرا برای کنترل همه امور می‌داند (مهرابی زاده، ۱۳۸۳).

واژه کمال مفهومی نسبی دارد. بنابراین، می‌توان گفت که همه انسان‌ها به نحوی کمال‌گرایند. در هر صورت، کمال به حالت مطلوبی اطلاق می‌شود. کمال‌گرایی به منزله یک واژه می‌تواند به مفاهیم گوناگونی دلالت کند که برخی از آنها حاکی از ویژگی ای مثبت و برخی دیگر، منفی است (خسروی و علیزاده، ۱۳۸۸). فرد کمال‌گرا نیاز و عطش دارد تا از هر نظر کامل و بی نقص باشد و خود را درست مطابق تصور آرمانی که از خود دارد، فرض می‌کند. به همین دلیل حس می‌کند در زمینه های اخلاقی، عقلی و معنوی، کامل و از همه کس برتر است و این باعث می‌شود دیگران را به دیده ی حقارت بنگرد (هورنی<sup>۱۱</sup>، ۱۹۵۰). در نهایت کمال‌گرایی گرایش شخصی دانسته شده است که به وسیله کوشش برای عیب و نقص بودن و تدارک معیارهای بسیار بالا برای عملکرد همراه با تمایلاتی برای ارزیابی های بسیار انتقادی مطرح می‌شود (فلت و هویت<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۲). به اعتقاد برگیز<sup>۱۳</sup> (۱۹۸۶)، اگر والدین قابل اعتماد، همدلی، آرامش دهنده و برخوردار از رفتارهای سازنده باشند و دائم از کودک ایراد نگیرند، تصور ذهنی او نسبت به خویش به صورت مثبت تقویت می‌شود. اما اگر والدین در کنترل زیاده روی کنند، انجام خواسته های آنها برای کودک امکان نداشته باشد، بایدها، اجبارها و نتوانستن را به کودک تحمیل کنند و به او اعتماد کمی داشته باشند، به تدریج پیام -من به حساب نمی‌آیم- را در خود درونی می‌کنند. ممکن است والدین به صورت لفظی از کودک نخواهند که کامل باشد، اما اگر ابراز مهر و محبت آنان به رفتار کودک بستگی داشته باشد، به تدریج تفکر خاص-اگر رفتار کاملی داشته باشم، مورد قبول آنها خواهم بود- و -اگر همیشه خوب به نظر بیایم، ارزش خود را حفظ می‌کنم- در او شکل می‌گیرد. در واقع، افرادی که عزت نفس اندکی دارند، برای حفظ هویت و ارزش خویش به معیارهای کمال‌گرایانه احتیاج دارند. از نظر برنز و فداو<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۵). والدین کمال‌گرا از عش و ورزیدن و تایید کودکان خود اجتناب می‌ورزند و بدین شیوه آنها را تنبیه می‌کنند. والدین کمال‌گرا بیش از اندازه انتقاد می‌کنند. سخت گیر هستند و عموماً از فرزندان خود کمتر پشتیبانی می‌کنند. کودکان آنها نمی‌توانند از یک عملکرد که به اندازه کافی خوب است مفهومی را ایجاد یا درک کنند، عملکرد آنها بیش از اندازه ارزیابی می‌شود که به بهای از دست دادن نزدیکی و مهربانی تمام می‌شود. به این ترتیب کودک کمال‌گرا به تلاش خود ادامه می‌دهد تا تایید و محبت والدین را به خود جلب کند، در این شرایط جایی برای فضای خاکستری نیست، هر چه هست یا سیاه است یا سفید. کمال‌گرایی منفی والدین از این طریق زمینه های شکست و اضطراب تحصیلی دانش آموزان و به دنبال آن تضعیف عملکرد تحصیلی آنان را فراهم می‌کند.

موضوع ارتباط والدین و فرزندان، سال‌ها نظر صاحب نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب نموده است. خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را به وجود می‌آورد. کودک در خانواده پندارهای اولیه در باره ی جهان و همچنین، شیوه های سخن گفتن و هنجارهای اساسی رفتار را فرا گرفته و نگرش‌ها، اخلاق و روحیات خود را شکل می‌دهد و به عبارتی اجتماعی می‌شود.

6. Freud

7. Adler

8. Molnar

9. Horney

10. Askiytzr & Hamilton

11. Hoerni

12. Feltt & Hewitt

13. Brgyz

شود(هرگن‌هان و السون<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۳). هر خانواده، شیوه ی خاصی را تحت عنوان شیوه های فرزندپروری در تربیت فرزندان خویش به کار گرفته، که متأثر از عوامل متفاوتی از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است(هاردی، پاور و جاددکی<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۳). تحقیقات معاصر در مورد شیوه های فرزندپروری از مطالعات بامریند بر روی کودکان و خانواده های آنان نشأت گرفته است. بامریند با رویکردی تیپ شناختی بر ترکیب اعمال فرزندپروری متفاوت تاکید می کند. تفاوت در ترکیب عناصر اصلی فرزندپروری تغییراتی در چگونگی پاسخ های کودک به تاثیر والدین ایجاد می کند(دارلینگ<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۷). یکی از متغیرهایی که می تواند در رابطه بین کمال گرایی مادران با اضطراب امتحانی در دانش آموزان موثر باشد، شیوه فرزند پروری والدین است که در پژوهش حاضر به بحث و بررسی آن پرداخته می شود. والدین اولین کسانی هستند که با کودک ارتباط برقرار می کنند و تأثیرگذارترین برخوردها و تعاملات را در شکل گیری ساختار زندگی آینده ی کودک دارند(گلدنبرگ<sup>۱۷</sup>، ترجمه حسین شاهی و نقشبند، ۱۳۹۸). اندیشمندان دریافته اند که ادراک کودکان از این نوع تعاملات بسیار مهم تر از تجربه ی عملی چنین تعاملاتی است(لی<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۰). شواهد تجربی نیز، اهمیت نقش باورها و ادراکات فردی را در سلامت، بیماری روانی، احساس خطر و خشونت و بروز زورگویی و تشدید آن را بر حسب ادراک از محیط خانواده مورد تاکید قرار می دهد. بر اساس الگوی بامریند و شیفر، دو محور اساسی در رفتار و تعاملات والدین در ارتباط با فرزندان وجود دارد: محبت و کنترل. تحقیقات نشان می دهد محبت و پذیرش والدین بر رشد شخصیت، نگرش و ادراک نوجوانان تأثیر می گذارد. این بعد به چگونگی ابزار محبت و پاسخگویی والدین نسبت به فرزندان اشاره دارد(چاری و همکاران، ۱۳۹۱) و مشتمل بر گرمی و سردی تعاملات والد-فرزند است. بعد کنترل اشاره به درجه استقلال و آزادی دارد که والدین برای فرزندان خود قایل هستند. کودکانی که مورد بی توجهی و بدرفتاری والدین خود قرار می گیرند، در زندگی آینده ی خود دچار مشکلات رفتاری و روانی گوناگون می شوند(چاری و همکاران، ۱۳۹۱). از ترکیب این دو بعد، سبک های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیر ایجاد می شود(گنتری<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۷؛ ترجمه، بیرامی و علائی، ۱۳۹۲). رابطه بین کودکان و والدین و سایر اعضای خانواده را می توان به عنوان نظام یا شبکه ای دانست که در کنش متقابل با یکدیگر هستند. این نظام به طور مستقیم و غیر مستقیم، از طریق سبکها و روشهای مختلف فرزندپروری در کودکان تأثیر میگذارد. اکثر روان شناسان صرف نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش های متقابل میان والدین و فرزندان خود را اساس تحول عاطفی تلقی می کنند(مهرابی زاده، ۱۳۸۳). بامریند<sup>۲۰</sup>(۲۰۰۳)، از سبکهای فرزند پروری مستبد، مقتدر و سهل گیر نام برد.

بامریند(۲۰۰۳) بیان می کند که والدین دیکتاتور، روابط سرد همراه با کنترل زیاد را بر فرزندان خود اعمال می کنند. والدین مقتدر، کنترل خود را همراه با رابطه گرم و پاسخگویی بر فرزندان خود دارند. در حالی که والدین سهل گیر، انتظارات اندکی از فرزندان خود داشته و هیچ گونه کنترل و پاسخگویی هم نسبت به آنان ندارند(حمیدی و انصاری، ۱۳۹۵). دانش آموزان با والدین مقتدر بیشتر از دانش آموزان با والدین مستبد و سهل گیر، از شیوه حل مساله در شرایط استرس زا، استفاده می کنند و سازگاری بیشتری دارند. تحقیقات نشان داده است که شیوه ی فرزندپروری مستبدانه، سلطه گرانه و متناقض به رفتارهای زورگویی منجر می شود(احمد و بریس ویت<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۸). مایز و پتیت<sup>۲۲</sup>(۱۹۹۷) سبک های فرزند پروری را این گونه تعریف کرده اند: مجموعه ای از رفتارها که تعیین کننده ارتباطات متقابل والد-فرزند در موقعیت های متفاوت و گسترده ای است، و این گونه فرض می شود که موجب ایجاد یک فضای تعامل گسترده می گردد. با توجه به میزان شیوع بالای اضطراب امتحان، اهمیت آن در محیط آموزشی و شیوع بیشتر آن در داختران نسبت به پسران، بخصوص در میان دانش آموزان متوسطه دوم، مطالعه در این زمینه ضروری و مهم است. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه کمال گرایی مادران با اضطراب امتحان با نقش واسطه ای سبک فرزند پروری دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بجنورد می باشد. با توجه به مبانی نظری و پیشینه، این پژوهش به دنبال آزمون فرضیه های زیر می باشد، هم چنین شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش را نشان می دهد.

<sup>14</sup> Hergenhan & Alson

<sup>15</sup> Hardy, Power & Jadedicke

<sup>16</sup> Darlying

<sup>17</sup> Goldenberg

<sup>18</sup> Lee

<sup>19</sup> Gentry

<sup>20</sup> Bamrynd

<sup>21</sup> Ahmad & brace Witt

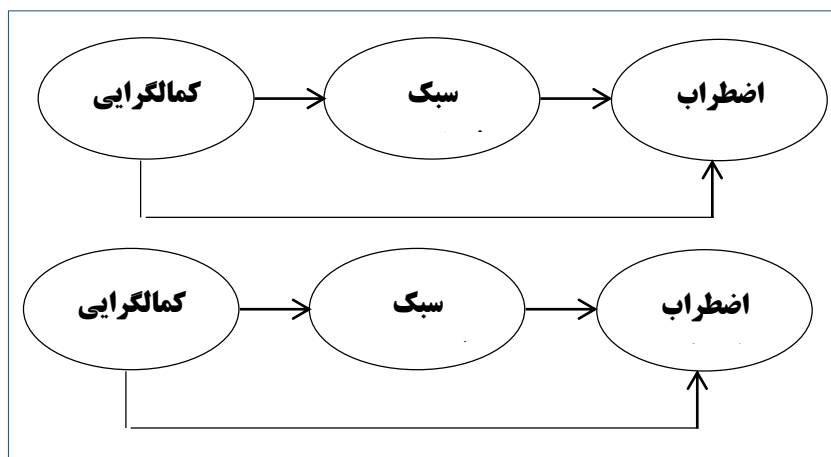
<sup>22</sup> Mayaz&Patit

**فرضیه اصلی**

- سبک فرزندپروری در رابطه بین کمال گرایی مثبت مادران با اضطراب امتحانی دانش‌آموزان نقش واسطه‌ای دارد.
- سبک فرزندپروری در رابطه بین کمال گرایی منفی مادران با اضطراب امتحانی دانش‌آموزان نقش واسطه‌ای دارد.

**فرضیه های فرعی**

- رابطه کمال گرایی مثبت مادران با سبک فرزندپروری سهل گیرانه.
- رابطه کمال گرایی منفی مادران با سبک فرزندپروری سهل گیرانه.
- رابطه کمال گرایی مثبت مادران با سبک فرزندپروری استبدادی.
- رابطه کمال گرایی منفی مادران با سبک فرزندپروری استبدادی.
- رابطه کمال گرایی مثبت مادران با سبک فرزندپروری قاطع.
- رابطه کمال گرایی منفی مادران با سبک فرزندپروری قاطع.
- رابطه سبک فرزندپروری سهل گیرانه با اضطراب امتحان در دانش‌آموزان.
- رابطه سبک فرزندپروری استبدادی با اضطراب امتحان در دانش‌آموزان.
- رابطه سبک فرزندپروری قاطع با اضطراب امتحان در دانش‌آموزان.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش (محقق ساخته)

**روش تحقیق**

بر اساس موضوع و اهداف مورد مطالعه، این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بجنورد در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ که ۲۵۰۰ نفر بودند. برای انتخاب نمونه از جدول مورگان و روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد. به این صورت که از بین کلیه مدارس دخترانه متوسط دوم شهر بجنورد، چهار مدرسه و از هر مدرسه ۴ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد و کلیه دانش‌آموزان کلاس ها که جمعا ۳۳۳ دانش آموز بودند، به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه ها به شرح زیر می باشد.

**پرسشنامه کمال گرایی (مثبت و منفی):** کمال گرایی سازگاران و ناسازگاران در این پژوهش از طریق پرسشنامه کمال گرایی که توسط (تری شورت، ۱۹۹۵) طراحی شده، ارزیابی شده است. پرسشنامه شامل دو بخش کمال گرایی مثبت و کمال گرایی منفی می باشد. هر بخش پرسشنامه شامل ۲۰ ماده است و در مجموع، هر دو بخش آن ۴۰ ماده دارد. روش نمره گذاری این پرسشنامه به شکل لیکرت می باشد، یعنی برای پاسخ دادن از پنج درجه بندی کاملا موافقم، تا حدودی موافقم، مخالفم، مخالفم، کاملا مخالفم استفاده شده است.

**پرسشنامه سبک فرزندپروری:** جهت سنجش سبک فرزندپروری از پرسشنامه بامریند (۱۹۷۳) استفاده شده است. پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که شیوه‌های فرزند پروری والدین را در سه عامل (شیوهی سهل گیرانه، شیوهی استبدادی، شیوهی قاطع و اطمینان بخش) اندازه گیری می کند. نمره گذاری پرسشنامه با استفاده از طیف لیکرت (کاملا موافقم، تا حدودی موافقم، مخالفم، مخالفم، کاملا مخالفم) به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره گذاری می‌باشد.

**پرسشنامه اضطراب امتحان:** جهت سنجش اضطراب امتحان از پرسشنامه ۲۵ ایتمی و تک مولفه ای آی. جی. ساراسون (۱۹۵۸) استفاده شده است. آزمودنی به هر ماده به صورت (درست با نمره ۱) و یا (غلط با نمره ۰) پاسخ می‌دهند. دامنه نمرات بین ۰ تا ۲۵ خواهد بود. اگر نمره به دست آمده ۱۲ یا کمتر از ۱۲ باشد، اضطراب امتحان فرد در دامنه پایین (خفیف) قرار می‌گیرد. نمره ۱۲ تا ۲۰ حاکی از آن است که اضطراب امتحان از حد متوسطی برخوردار است و هر نمره‌ای بالاتر از ۲۰ به معنای اضطراب امتحان بالا (شدید) است. هر سه پرسشنامه مورد استفاده در پژوهش حاضر استاندارد می‌باشند. همچنین به تایید متخصصان امر (اساتید) رسید و روایی آن سنجیده شده است. به عبارت دیگر روش اعتبار صوری و محتوایی برای ارزیابی و سنجش روایی پرسشنامه استفاده شده است. برای بررسی پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، به ترتیب کمال گرایی مثبت (۰/۹۰۳)، کمال گرایی منفی (۰/۸۹۰)، سبک فرزندپروری (۰/۷۴۸) و اضطراب امتحان (۰/۸۹۹) بدست آمد. داده‌های حاصل از این پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم افزارهای **SPSS** و **Smart PLS 2** از روش معادلات ساختاری و تحلیل عاملی تاییدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

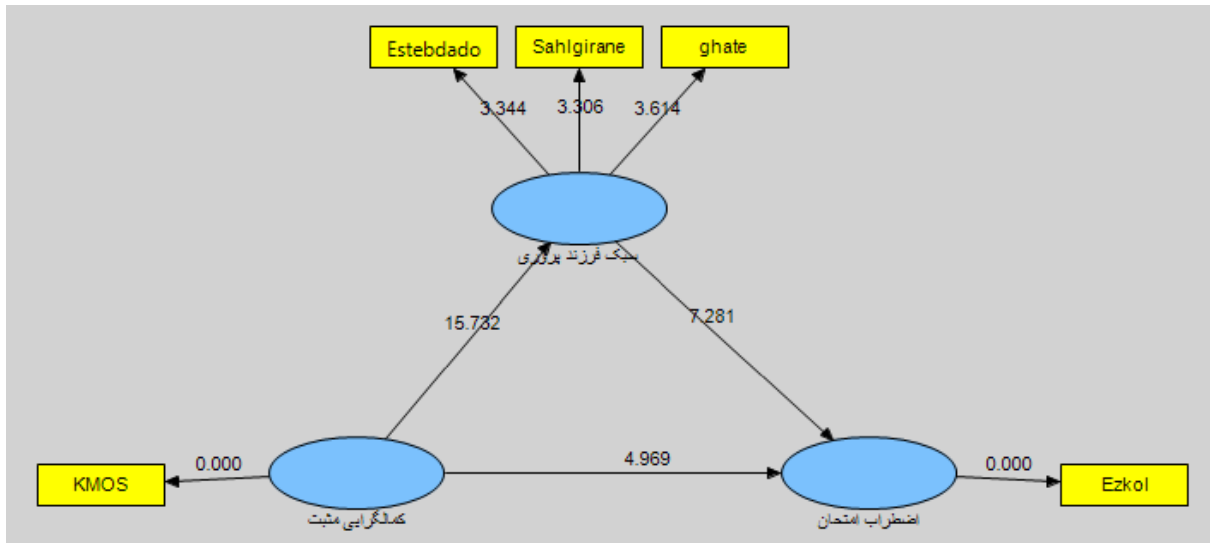
### یافته ها و بررسی فرضیات تحقیق

**فرضیه اصلی:** شامل دو فرضیه است:

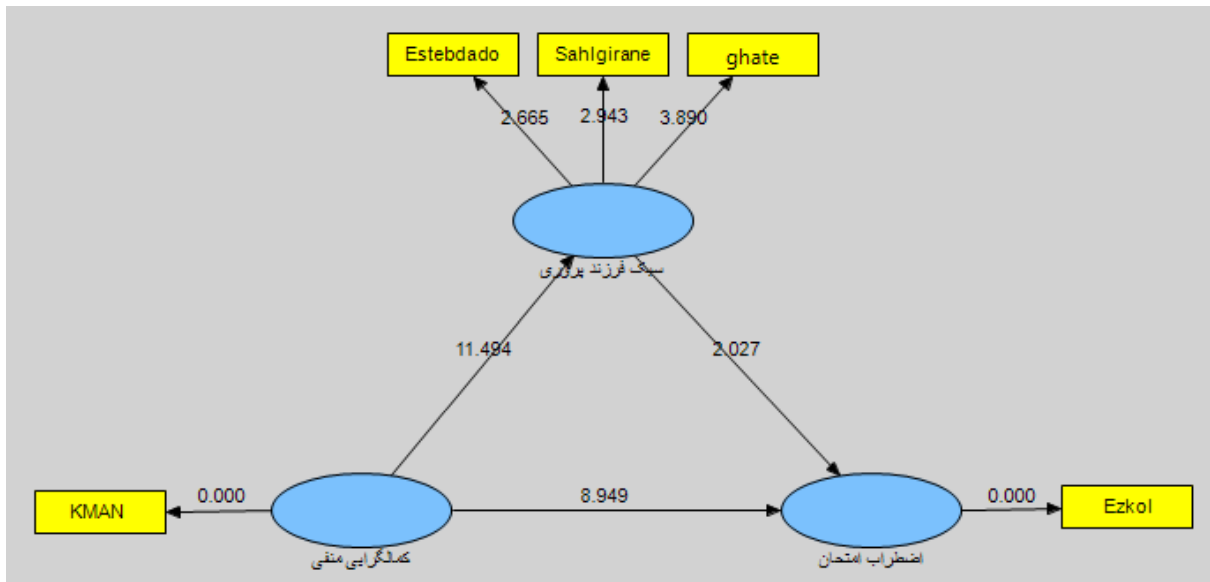
- سبک فرزندپروری می‌تواند نقش واسطه‌ای در رابطه بین کمال گرایی مثبت مادران با اضطراب امتحان داشته باشد.
- سبک فرزندپروری می‌تواند نقش واسطه‌ای در رابطه بین کمال گرایی منفی مادران با اضطراب امتحان داشته باشد.

با توجه به شکل ۲ و ۳ ضریب معناداری مسیر میان متغیرهای کمال گرایی مثبت مادران با اضطراب امتحان و سبک فرزندپروری (۴/۹۶۹، ۱۵/۷۳۲، ۷/۲۸۱) و متغیرهای کمال گرایی منفی مادران با اضطراب امتحان و سبک فرزندپروری (۸/۹۴۹، ۱۱/۴۹۴، ۲۷/۰۲۷) از ۱/۹۶ بیشترند که این مطلب حاکی از معنی دار بودن تاثیر مستقیم کمال گرایی مثبت و منفی مادران بر اضطراب امتحان و همچنین تاثیر غیر مستقیم کمال گرایی مثبت و منفی مادران بر اضطراب امتحان از طریق متغیر واسطه‌ای سبک فرزندپروری در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌باشد و باعث پذیرش فرضیه اصلی پژوهشی می‌شود.

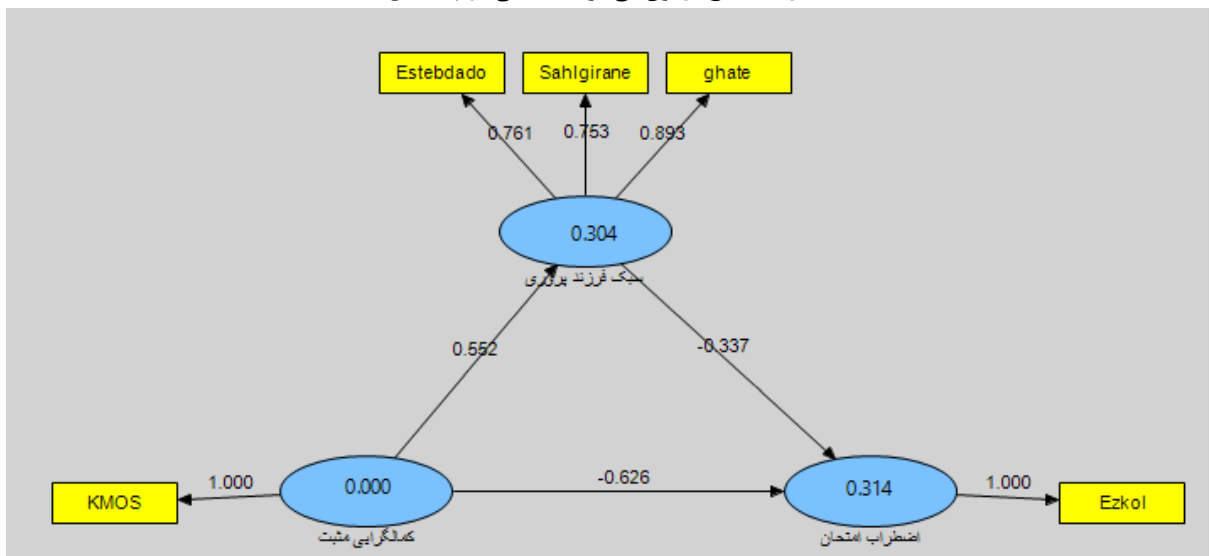
همچنین شکل ۴ و ۵ شدت تاثیرات را نشان می‌دهد. ضریب استاندارد شده مسیر میان کمال گرایی مثبت مادران با اضطراب امتحان (۰/۶۲۶-) بیانگر این مطلب است که کمال گرایی مثبت مادران به میزان ۶۲/۶ درصد از تغییرات متغیر اضطراب امتحان دانش‌آموزان را به طور مستقیم تبیین می‌کند. از سوی دیگر دو ضریب (۰/۵۵۲) و (۰/۳۳۷-) نیز نشان می‌دهند که متغیر کمال گرایی مثبت مادران به طور غیر مستقیم و از طریق متغیر واسطه‌ای سبک فرزندپروری به میزان ۱۸/۶٪ (۰/۳۳۷×۰/۵۵۲-) بر متغیر اضطراب امتحان دانش‌آموزان تاثیر دارد. و ضریب استاندارد شده مسیر میان کمال گرایی منفی مادران با اضطراب امتحان (۰/۴۰۲) بیانگر این مطلب است که کمال گرایی منفی مادران به میزان ۴۰/۲ درصد از تغییرات متغیر اضطراب امتحان دانش‌آموزان را به طور مستقیم تبیین می‌کند. از سوی دیگر دو ضریب (۰/۴۵۸-) و (۰/۲۰۹-) نیز نشان می‌دهند که متغیر کمال گرایی منفی مادران به طور غیر مستقیم و از طریق متغیر واسطه‌ای سبک فرزندپروری به میزان ۹/۵٪ بر متغیر اضطراب امتحان دانش‌آموزان تاثیر دارد. با توجه به ضرایب مسیر متغیرهای کمال گرایی مثبت و منفی، کماگرایی مثبت در مادران می‌تواند اضطراب امتحانی دانش‌آموزان را کاهش و کماگرایی منفی در مادران اضطراب امتحانی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد.



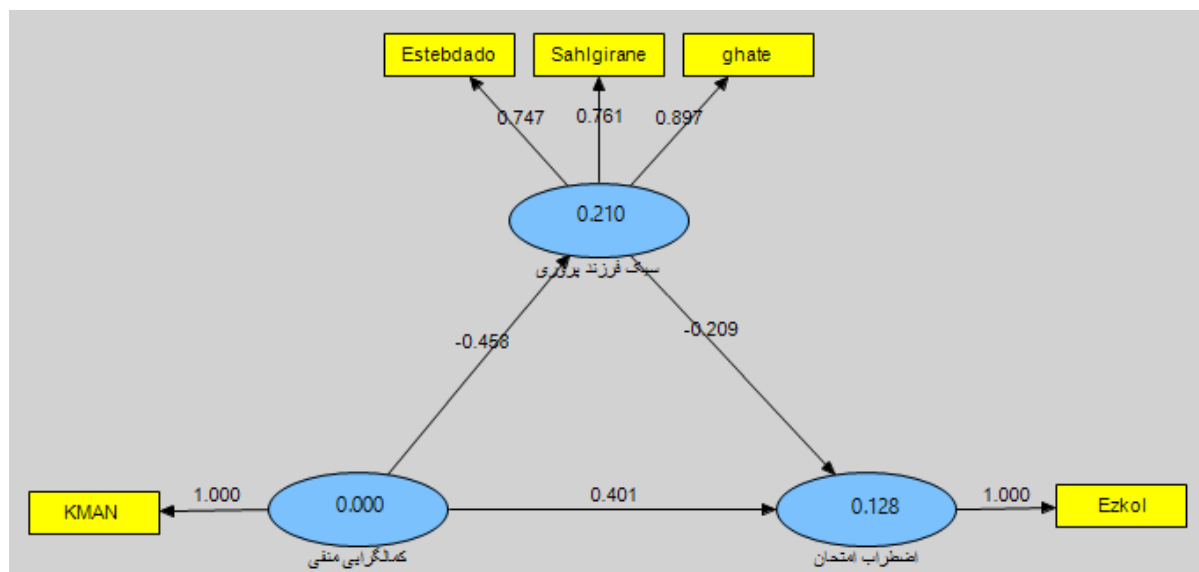
شکل ۲: نتایج آزمون تی فرضیه اصلی اول تحقیق



شکل ۳: نتایج آزمون تی فرضیه اصلی دوم تحقیق



شکل ۴: ضریب مسیر و بارعاملی فرضیه اصلی اول تحقیق



شکل ۵: ضریب مسیر و بارعاملی فرضیه اصلی دوم تحقیق

جدول ۱ نتایج مربوط به بررسی فرضیه اصلی تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۱: نتایج تحلیل فرضیه اصلی اول

| نتیجه | عدد معناداری<br>(آماره آزمون) | ضریب<br>مسیر | مسیر متغیرها   |
|-------|-------------------------------|--------------|--|
| تایید | ۴/۹۶۹                         | -۰/۶۲۶       | کمال گرایی مثبت مادران ← اضطراب امتحان                   |
| تایید | ۲۷/۹۸۲                        | -۰/۸۱۲       | کمال گرایی مثبت مادران ← سبک فرزند پروری ← اضطراب امتحان |
| تایید | ۸/۹۴۹                         | ۰/۴۰۱        | کمال گرایی منفی مادران ← اضطراب امتحان                   |
| تایید | ۲۲/۴۷                         | ۰/۴۹۶        | کمال گرایی منفی مادران ← سبک فرزند پروری ← اضطراب امتحان |

#### فرضیه فرعی:

با توجه به جدول ۲ کمال گرایی مثبت در مادران ۳۱/۸ درصد از سبک فرزندپروری سهل گیرانه را پیش بینی می‌کند و کمال گرایی مثبت در مادران باعث می‌شود که آنان از سبک فرزندپروری سهل گیرانه کمتر استفاده کنند. نتایج نشان داد کمال گرایی منفی در مادران نمی‌تواند سبک فرزندپروری سهل گیرانه را پیش بینی کند (۱/۹۶ < ۰/۸۶۴ = عدد معناداری). نتیجه دیگر پژوهش این بود که کمال گرایی مثبت به میزان ۳۳/۹ درصد از سبک فرزندپروری استبدادی را پیش‌بینی می‌کند و مادرانی که دارای کمال گرایی مثبت هستند از سبک استبدادی کمتر استفاده می‌کنند و مادرانی که کمال‌گرایی منفی دارند بیشتر به سبک استبدادی روی می‌آورند (۰/۴۲۸). همچنین کمال گرایی مثبت در مادران ۴۹/۱ درصد از سبک فرزندپروری قاطع را پیش‌بینی می‌کند و کمال گرایی منفی به میزان ۴۰/۲ درصد از سبک فرزندپروری قاطع را پیش‌بینی می‌کند. با توجه به ضریب مسیر منفی مادرانی که کمال گرایی منفی بالاتری دارند، کمتر از سبک فرزندپروری قاطع استفاده می‌کنند. از یافته‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که مادران با خصوصیت کمال‌گرایی مثبت بیشتر به سبک فرزندپروری قاطع روی می‌آورند و مادران با خصوصیت کمال گرایی منفی بیشتر به سبک فرزندپروری استبدادی گرایش پیدا می‌کنند.

همچنین نتایج نشان داد سبک فرزندپروری سهل گیرانه نمی‌تواند اضطراب امتحانی در دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند. سبک فرزندپروری استبدادی به میزان ۵۹/۳ درصد از اضطراب امتحانی را پیش‌بینی می‌کند و مادرانی که سبک فرزندپروری استبدادی استفاده می‌کنند، اضطراب امتحانی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهند. همچنین سبک فرزندپروری قاطع به میزان ۶۰/۷ درصد از اضطراب امتحان را پیش‌بینی می‌کند. با توجه به ضریب مسیر منفی مادرانی که از سبک فرزندپروری قاطع استفاده می‌کنند، اضطراب امتحانی دانش‌آموزان را کاهش می‌دهند.



جدول ۲: نتایج تحلیل روابط بین متغیرها

| عدد معناداری (آماره آزمون) | ضریب مسیر | مسیر متغیرها                                       |
|----------------------------|-----------|--|
| ۳/۹۶                       | -۰/۳۱۸    | کمال گرایی مثبت مادران ← سبک فرزندپروری سهل گیرانه |
| ۰/۸۶۴                      | ۰/۱۹۳     | کمال گرایی منفی مادران ← سبک فرزندپروری سهل گیرانه |
| ۴/۶۰۵                      | -۰/۳۳۹    | کمال گرایی مثبت مادران ← سبک فرزندپروری استبدادی   |
| ۶/۴۱۰                      | ۰/۴۲۸     | کمال گرایی منفی مادران ← سبک فرزندپروری استبدادی   |
| ۶/۹۱۸                      | -۰/۴۹۱    | کمال گرایی مثبت مادران ← سبک فرزندپروری قاطع       |
| ۵/۳۶۷                      | -۰/۴۰۲    | کمال گرایی منفی مادران ← سبک فرزندپروری قاطع       |
| ۰/۴۱۹                      | -۰/۰۹۳    | سبک فرزندپروری سهل گیرانه ← اضطراب امتحان          |
| ۹/۱۶۳                      | ۰/۵۹۳     | سبک فرزندپروری استبدادی ← اضطراب امتحان            |
| ۱۱/۳۴۰                     | -۰/۶۰۷    | سبک فرزندپروری قاطع ← اضطراب امتحان                |

### بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از فرضیه اصلی نشان داد سبک فرزندپروری می تواند نقش واسطه‌ای در رابطه بین کمال گرایی مثبت و منفی مادران با اضطراب امتحان داشته باشد. ضریب استاندارد شده مسیر میان کمال گرایی مثبت مادران با اضطراب امتحان (-۰/۶۲۶) بیانگر این مطلب است که کمال گرایی مثبت مادران به میزان ۶۲/۶ درصد از تغییرات متغیر اضطراب امتحان دانش‌آموزان را به طور مستقیم تبیین می کند. از سوی دیگر دو ضریب (۰/۵۵۲) و (-۰/۳۳۷) نیز نشان می دهند که متغیر کمال گرایی مثبت مادران به طور غیر مستقیم و از طریق متغیر واسطه‌ای سبک فرزندپروری به میزان ۱۸/۶٪ بر متغیر اضطراب امتحان دانش‌آموزان تاثیر دارد. ضریب استاندارد شده مسیر میان کمال گرایی منفی مادران با اضطراب امتحان (۰/۴۰۲) بیانگر این مطلب است که کمال گرایی منفی مادران به میزان ۴۰/۲ درصد از تغییرات متغیر اضطراب امتحان دانش‌آموزان را به طور مستقیم تبیین می کند. از سوی دیگر دو ضریب (-۰/۴۵۸) و (-۰/۲۰۹) نیز نشان می دهند که متغیر کمال گرایی منفی مادران به طور غیر مستقیم و از طریق متغیر واسطه‌ای سبک فرزندپروری به میزان ۹/۵٪ بر متغیر اضطراب امتحان دانش‌آموزان تاثیر دارد. با توجه به ضرایب مسیر متغیرهای کمال گرایی مثبت و منفی، کمال گرایی مثبت در مادران می تواند اضطراب امتحانی دانش‌آموزان را کاهش و کمال‌گرایی منفی در مادران اضطراب امتحانی دانش‌آموزان را افزایش می دهد.

سویسا و وویس<sup>۲۳</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی نشان داد کمال گرایی منفی با اضطراب امتحان ارتباط مثبت دارد و بین کمال گرایی مثبت و اضطراب امتحان ارتباط معنی دار وجود ندارد. وینر و کارتن<sup>۲۴</sup> (۲۰۱۲) در پژوهشی نشان داد کمال گرایی منفی با اضطراب امتحان و عملکرد تحصیلی ضعیف ارتباط دارد که با نتایج پژوهش ما همخوانی دارد. غروری، خسروی و نجفی (۱۳۹۱) در پژوهشی نشان داند اضطراب امتحان با کمال گرایی جامعه‌مدار که شکل منفی کمال گرایی است و کمال گرایی خودمدار، شکل مثبت کمال گرایی ارتباط مثبت دارد. به نظر می رسد دو شکل کمال گرایی منفی و مثبت والدین پیامدهای متفاوتی را برای اضطراب امتحانی فرزندان دارد. در تبیین این یافته‌ها می توان بیان کرد که کمال گرایی منفی مادران با اهمیت نمره فرزندشان ارتباط دارد. والدین با کمال گرایی منفی در مقایسه با کمال گرایان مثبت و افراد عادی، مقدار بیشتری از اضطراب را به فرزندان خود منتقل می کنند. آنها ممکن است سوالات امتحان را بسیار دشوار برای فرزندان خود ارزیابی کنند و شروع به انتقال تفکرات منفی در باره نقاط ضعف فرزندانشان کنند و عواطف منفی همچون اضطراب را انتقال دهند. بنابراین این فرزندان از ارزیابی منفی دیگران می ترسند و باور دازند که طرد خواهند شد. اگر به دیگران اجازه دهند نواقسشان را ببینند، چنین باورهای منفی در آنها باعث هیجانات منفی همچون اضطراب در آنها خواهد شد.

همچنین مادرانی که وقت بیشتری را صرف سرپرستی و تربیت فرزندانشان می کنند دارای فرزندان هستند که کمتر به سمت رفتارهای نامناسب متمایل می شوند و با توجه به اینکه مادران سهل گیر توجه کمتر از حد به فرزندان خود دارند، از آنان انتظارات کمی دارند و اغلب استقلال و آزادی زیادی به فرزندان می دهند، ولی معمولاً اهداف و انتظارات روشنی برای فرزندان ترسیم نمی کنند و از طرف دیگر به دلیل کنترل و نظارت پایینی که بر رفتارها و اعمال فرزندانشان دارند، شرایط را برای کاهش پیشرفت تحصیلی فرزندانشان به طور ناخواسته فراهم می کنند (انتن و گولان<sup>۲۵</sup>، ۲۰۰۹). سبک فرزندپروری مقتدر با پیامدهای رفتاری مثبت همچون خودتنظیمی، قابلیت‌های اجتماعی بالا، سازگاری

23. Soysa & Weiss

24. Weiner & Carton

25. Enten & Golan

اجتماعی مثبت ارتباط دارد. نتایج نشان دهنده این است که نوجوانانی که دارای والدین با سبک قاطع هستند، رابطه عاطفی و گرمتری با والدین خود دارند و بهتر می‌توانند در مورد احساسات و مسائل خود با والدین گفت‌وگو کنند. این امر احتمالاً به رشد عاطفی، اجتماعی و رفتارهای بهنجار این نوجوانان کمک خواهد نمود. از طرفی والدین سهل‌گیر از تنبیه و سرزنش فرزندان خود اجتناب می‌کنند و تنها توجه کمتری نسبت به آن دارند و و این بی‌توجهی تخریب کمتری در روابط عاطفی آنان با فرزندان آنها دارد، والدین سهل‌گیر، هیچگونه کنترلی بر روی کودکان خود ندارند و این فرزندان به دلیل بی‌توجهی والدین دارای کمترین میزان اعتماد به نفس، کنجکاو و خودکنترلی می‌شوند. در سبک مقتدرانه، والدین قوانین و انتظارات روشنی را برای فرزندان وضع می‌کنند و با فرزندان در مورد این قوانین مذاکره می‌کنند. آنها دیدگاه فرزندان را می‌شناسند و از منطق و قدرت جهت اعمال معیارهایشان بهره می‌برند. فرزندپروری مقتدرانه با تشویق و تقویت رفتارهای مثبت فرزندان، پاسخ‌دهی به نیازهای فرزندان منجر به کاهش اضطراب فرزند می‌شود. سبک فرزندپروری مقتدر با تعامل باز و انعطاف‌پذیر والد با فرزند مشخص می‌شود. در سبک فرزندپروری سهل‌گیر، والدین اجازه هر تصمیمی را به فرزندان خود می‌دهند و قواعدی برای نظارت و راهنمایی فرزندان ندارند و از فرزندان خود توقعی ندارند. این سبک فرزندپروری باعث هیجانات منفی در فرزندان می‌شود (وولکه، بونت، وور و روت<sup>۲۶</sup>، ۲۰۱۰). در واقع عدم ثبات در برخورد با فرزندان که از ویژگی سبک فرزندپروری نایمن می‌باشد باعث می‌شود که نگرش منفی به خود و دیگران در فرد شکل بگیرد که این باعث شکل‌گیری سوگیری‌های اسنادی می‌شود و برانگیختگی عاطفی را افزایش می‌دهد، فرزندان با سوگیری‌های اسنادی منفی احتمالاً ارتباط با دیگران را منفی درک کرده و ممکن است اضطراب زیادی را در موقعیت‌های اجتماعی تجربه کنند. بنابراین می‌توان گفت که سبک‌های فرزندپروری عامل مهمی هستند که می‌توانند بر اضطراب امتحان آموزش تأثیرگذار باشند.

نتایج نشان داد کمال‌گرایی مثبت در مادران ۳۱/۸ درصد از سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه را پیش‌بینی می‌کند و کمال‌گرایی مثبت در مادران باعث می‌شود که آنان از سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه کمتر استفاده کنند. نتایج نشان داد کمال‌گرایی منفی در مادران نمی‌تواند سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه را پیش‌بینی کند (۱/۹۶ < ۰/۸۶۴ = عدد معناداری). نتیجه دیگر پژوهش این بود که کمال‌گرایی مثبت به میزان ۳۳/۹ درصد از سبک فرزندپروری استبدادی را پیش‌بینی می‌کند و مادرانی که دارای کمال‌گرایی مثبت هستند از سبک استبدادی کمتر استفاده می‌کنند و مادرانی که کمال‌گرایی منفی دارند بیشتر به سبک استبدادی روی می‌آورند (۰/۴۲۸). سویننس<sup>۲۷</sup> و همکاران (۲۰۰۵) در تحقیق خود نشان دادند که والدینی که با استانداردهای بسیار بالا و توجه زیاد به شکست‌ها، مشخص می‌شوند بیشتر احتمال دارد درگیر پذیرش مشروط، القای احساس گناه و سبک فرزندپروری مداخله‌کننده شوند و والدین کمال‌گرایی خود را در سبک فرزندپروری شان به نمایش می‌گذارند. والدین کمال‌گرا ممکن است آرزوها و آرمان‌هایی را که خودشان نتوانسته‌اند به آنان برسند برای فرزندان خود بکار ببرند و رفتارهای آنان را بصورت انتقادی ارزیابی کنند که این ویژگی از خصوصیات سبک فرزندپروری استبدادی نیز محسوب می‌شود. والدین دارای سبک فرزندپروری استبدادی سعی می‌کنند رفتارها و نگرش‌های فرزندان را مطابق با یک سری استانداردهای رفتاری که معمولاً مطلق، دارای انگیزه اعتقادی و به وسیله یک قدرت والا تنظیم شده‌اند، شکل دهند و کنترل و ارزیابی کنند. بنابراین مادرانی که دارای کمال‌گرایی منفی هستند معمولاً به سبک فرزندپروری استبدادی روی می‌آورند. همچنین کمال‌گرایی مثبت در مادران ۴۹/۱ درصد از سبک فرزندپروری قاطع را پیش‌بینی می‌کند و کمال‌گرایی منفی به میزان ۴۰/۲ درصد از سبک فرزندپروری قاطع را پیش‌بینی می‌کند. با توجه به ضریب مسیر منفی مادرانی که کمال‌گرایی منفی بالاتری دارند، کمتر از سبک فرزندپروری قاطع استفاده می‌کنند. از یافته‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که مادران با خصوصیت کمال‌گرایی مثبت بیشتر به سبک فرزندپروری قاطع روی می‌آورند و مادران با خصوصیت کمال‌گرایی منفی بیشتر به سبک فرزندپروری استبدادی گرایش پیدا می‌کنند. مادران کمال‌گرای مثبت فرزندان را تشویق می‌کنند مستقل فکر کند، اما هرگز تسلیم او نمی‌شوند و انتظار دارند فرزندان هم با آن‌ها همکاری کند و رفتار مناسبی از خود نشان دهد. وقتی فرزندان کار اشتباهی می‌کند، مادران کمال‌گرای مثبت رفتار فرزندان را مدیریت می‌کنند و انتظاراتشان را براساس موقعیت و نیازهای فردی او تغییر می‌دهند.

همچنین نتایج نشان داد سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه نمی‌تواند اضطراب امتحانی در دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند. سبک فرزندپروری استبدادی به میزان ۵۹/۳ درصد از اضطراب امتحانی را پیش‌بینی می‌کند و مادرانی که سبک فرزندپروری استبدادی استفاده می‌کنند، اضطراب امتحانی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهند. سبک فرزندپروری قاطع به میزان ۶۰/۷ درصد از اضطراب امتحان را پیش‌بینی می‌کند. با توجه به ضریب مسیر منفی مادرانی که از سبک فرزندپروری قاطع استفاده می‌کنند، اضطراب امتحانی دانش‌آموزان را کاهش می‌دهند. والدینی که در تعامل‌های خود با فرزندان ملایمت و پذیرش بیشتری دارند، فرصت رشد بهنجار و مناسب برای فرزندان را بیشتر فراهم می‌کنند. البته رابطه دوستانه، غیرطردکننده و محکم در مادران عادی بیشتر به چشم می‌خورد. همانگونه که تحقیق سیگیولند، کندال و استینبرگ (۲۰۱۶) نیز نشان داده است، کودکان مبتلا به اختلال‌های اضطرابی، نسبت به کودکان سالم، پدر و مادران خود را بیشتر طردکننده می‌دانند. همچنین دیمن (۲۰۱۶) نشان داد که کنترل و مداخله بیشتر والدین، استقلال عمل فرزندان را می‌گیرد و این امر به اضطراب تحصیلی و امتحانی

26. Valcke, Bonte, Wever &amp; Rots

27. Soenens

دانش‌آموزان را دامن می‌زند. البته عکس این یافته نیز صادق است. میرصادقی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهش خود نشان داده‌اند هر قدر والدین حد و مرزی برای کودک نداشته و سبک فرزندپروری سهل‌گیر داشته باشند، فرزندان اضطراب بالاتری خواهند داشت که نتایج آنها ناهمسو با نتایج پژوهش حاضر است. دانش‌آموزانی مبتلا به اختلال اضطراب امتحانی، مادرانی دارند که نسبت به استقلال و خودمختاری کودکان خود بی‌میل بوده و کنترل‌کننده هستند (سیکوئلند، اشتاینبرگ و کندال، ۲۰۱۵). در واقع، در اختلالات اضطرابی بر روابط متقابل مادر - فرزند و سبک‌های فرزندپروری تأکید می‌شود. فرزندان که والدین مستبد دارند، معمولاً عزت‌نفسشان پایین است و مستعد افسردگی و اختلالات اضطراب امتحانی هستند. استونسون هیند و شولدریس (۲۰۱۵) معتقد است شکست مادر در ایجاد یک ارتباط گرم، حساس و پاسخ‌دهنده و در عین حال مقتدرانه، می‌تواند در فرزندان مشکلات درون‌نمود پایدار ایجاد نماید. سبک فرزندپروری به شرط این که به صورت بی‌اعتنا یا مستبدانه نباشد، نتایج مطلوبی را برای فرزندان به همراه دارد و اتخاذ سبک مناسب توسط والدین می‌تواند مشکلات اضطراب امتحانی در دانش‌آموزان را کاهش دهد. با توجه به یافته‌ها و نتایج پیشنهادات می‌شود؛ خانواده‌ها را با ویژگی‌های عاطفی نوجوانان آشنا نموده و سبک‌های فرزندپروری مطلوب‌تر به آن‌ها آموزش داد. همچنین باید به والدین آگاهی داد که شیوه‌های فرزندپروری در همان سال‌های نخستین بر فرزندان تأثیر می‌گذارد. با طراحی دوره‌های آموزشی شیوه‌های موثر و مناسب فرزندپروری مقتدرانه به والدین و خانواده‌ها بهره‌جست. آگاه ساختن والدین از انگیزه‌های کمال‌گرایی منفی نسبت به فرزندان.

## منابع و مراجع

- [۱] به پژوه، احمد؛ بشارت، محمد علی؛ غباری، باقر؛ فولادی، فاطمه. (۱۳۸۸). تاثیر آموزش راهبردهای شناختی - رفتاری بر کاهش اضطراب امتحان دانش آموزان دختر دبیرستانی، روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۱، ۲۱-۳.
- [۲] پورطالب، نرگس؛ میرنسب، میرمحمود. (۱۳۹۷). رابطه‌ی میزان ناامیدی و خودپنداره تحصیلی با اضطراب امتحان دانش‌آموزان دختر پایه‌ی ششم، آموزش و ارزیابی، دوره، ۱۱، شماره، ۴۳، ۱۳-۲۷.
- [۳] چراغیان، بهمن؛ فریدونی مقدم، مالک؛ برازپردنجانی، شهرام؛ باورصاد، نفیسه. (۱۳۸۷). بررسی اضطراب امتحان و ارتباط آن با عملکرد تحصیلی در دانشجویان پرستاری، دانش و تندرستی، دوره ۳، شماره ۳-۴، ۲۵-۲۹.
- [۴] چاری، مسعود؛ دلاورپور، محمدآقا و دهقانی، یوسف (۱۳۹۱). نقش شیوه‌های فرزندپروری والدین در کمروبی دانش-آموزان دبیرستانی، مجله روانشناسی معاصر، ۲(۲)، ۳۰-۲۱.
- [۵] حمیدی فریده، انصاری شهلا. رابطه شیوه‌های فرزند پروری والدین با سخت رویی و بهزیستی روانشناختی دانش‌آموزان. فصلنامه علمی- پژوهشی خانواده و پژوهش. ۱۳۹۵؛ ۱۳ (۳): ۴۷-۶۶.
- [۶] خسروی، زهرا و ام هانی، علیزاده (۱۳۸۸). کمال گرایی: سلامت یا بیماری؟ تهران: علم فرا انگیزش.
- [۷] غروی، مریم؛ خسروی، معصومه؛ نجفی، مسعود. (۱۳۹۱). رابطه اضطراب امتحان، کمال گرایی و انگیزش پیشرفت با پیشرفت تحصیلی، اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۸، شماره ۳، ۳۱-۵۰.
- [۸] فریبرز، درتاج؛ سیدحمید، موسوی؛ پروین، رضایی. (۱۳۹۲). بررسی میزان اضطراب امتحان و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان جدیدالورود دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، مجله پزشکی هرمزگان، دوره ۱۷، شماره ۴، ۳۶۵-۳۷۴.
- [۹] فتحی، اعظم؛ برمه زیار، سامان؛ محبی، سیامک. (۱۳۹۶). بررسی اضطراب امتحان در دانش‌آموزان مقطع پیش دانشگاهی شهر قم و عوامل مرتبط با آن در سال ۱۳۹۵، راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، دوره ۱۰، شماره ۴، ۲۷۰-۲۷۶.
- [۱۰] گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت (۱۳۹۸). خانواده درمانی پایه. ترجمه حمیدرضا حسین شاهی و سیامک نقشبندی. تهران: روان.
- [۱۱] گنتری، دابل (۲۰۰۷). مدیریت خشم، راهنمای کاربردی برای همگان. ترجمه: منصور بیرامی و پروانه علانی (۱۳۹۲)، تهران: نیک ملکی.
- [۱۲] میرسمیعی، مرضیه؛ ابراهیمی قوام، صغری. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین خود کارآمدی، حمایت اجتماعی و اضطراب امتحان با سلامت روانی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علامه طباطبایی، روانشناسی تربیتی، دوره ۳، شماره ۳، ۷۳-۹۲.
- [۱۳] مهربانی زاده هنرمن، مهناز و مینا وردی (۱۳۸۳). کمال گرایی مثبت، کمال گرایی منفی، اهواز: رسش.
- [۱۴] یزدانی، فریدخت؛ سلیمانی، بهرام. (۱۳۹۰). بررسی اضطراب امتحان و رابطه آن با عملکرد تحصیلی دانشجویان مامایی، مجله تحقیقات نظام سلامت، دوره ۷، شماره ۶، ۱-۱۰.
- [15] Ahmed, E., & Braithwaite, V. (2004). "What, Me Ashamed?" shame management and school bullying. *Research in Crime and Delinquency*, 41, 269-294.
- [16] Baumrind, D. (2003). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11, 56-95.
- [17] Darlyng, N. (2007). Parenting style and fits correlates. Available online at [www.othealth.com/partitioner/ceduc/parentingstyles](http://www.othealth.com/partitioner/ceduc/parentingstyles).
- [18] Enten, R. S., & Golan, M. (2009). Parenting styles and eating disorder pathology. *Appetite*, 52(3), 784-787. doi:<https://doi.org/10.1016/j.appet.2009.02.013>.
- [19] Flett, G. L., & Hewitt, P. L. (2002). Perfectionism and maladjustment: An overview of theoretical, definitional, and treatment issues. In G. L. Flett & P. L. Hewitt, *Perfectionism: Theory, research, and treatment*(pp. 5-31). Washington, DC: American Psychological Association.
- [20] Hergenhan B, Alson M H. An introduction to learning ideas. Translated by: Seif A A. Tehran: Dana publications; 2003.
- [21] Hembre R. Correlates, causes, effects, and treatment of test anxiety. *Rev Edu Res* 2009;58(1):47-77.

- [22] Hardy D F, Power T G, Jadedicke S. Examining the relation of parenting to children's coping with everyday stress. *Child develop* 1993; 64(6): 18-48.
- [23] Larun L, Nordheim LV, Ekeland E, Hagen KB, Heian F. Exercise in prevention and treatment of anxiety and depression among children and young people. *Cochrane Database Syst Rev*. 2006; 19;(3):CD004691.
- [24] Lee, Ch. H. (2010). Personal and interpersonal correlates of bullying behaviors among korean middle school students. *Interpersonal Violence*, 25 (1), 152-176.
- [25] Mize, J. & Pettit, G.(1997). Mothers. social coaching, mother-child relationship style and children. s peer competence: Is the medium the message. *Child Development*, 68, 312-332.
- [26] Schaefer A, Matthes H, Pfitzer G, Kohle K. Men health and performance of medi stud with highand low test anxiety. *Psychother Psychosom Med Psychol* 2007;57(7):289-97.
- [27] Schafer. M., Korn, S., Brodbeck, FC., Wolk, C., & Schalz, H. (2004). Victims and bully roles from primary to secondary school. Munich, Germany: Ludwig- Maximilians University; cited March. Available from: [http://epub. Ub. Ub. Unimuenchen. De/322/1/FB\\_165](http://epub. Ub. Ub. Unimuenchen. De/322/1/FB_165).
- [28] Soenens, B., Elliot, A. J., Goossens, L., Vansteenkiste, M., Luyten, P., & Duriez, B. (2005). The intergenerational transmission of perfectionism: Parents' psychological control as an intervening variable. *Journal of Family Psychology*, 19, 358-366.
- [29] Soysa, C. K., & Weiss, A. (2014). Mediating perceived parenting styles–test anxiety relationships: Academic procrastination and maladaptive perfectionism. *Learning and Individual Differences*, 34, 77-85.
- [30] Valcke, M., Bonte, S., De Wever, B., & Rots, I. (2010). Internet parenting styles and the impact on Internet use of primary school children. *Computers & Education*, 55(2), 454-464. doi:<https://doi.org/10.1016/j.compedu.2010.02.009>.
- [31] Weiner, B. A., & Carton, J. S. (2012). Avoidant coping: A mediator of maladaptive perfectionism and test anxiety. *Journal of Personality and Individual Differences*, 52, 632-636.